

پیش‌خواب

نگاهی به مجموعه «اسناد اشغال ایران»

۴سال قحطی بیماری و مرگ



کمتر کشوری را مانند ایران می‌توان یافت که با وجود اعلام بی‌طرفی، آماج لطمات و آسیب‌های ناشی از جنگ جهانی دوم قرار گرفته باشد. اشغال ایران

برای کشور داشت که قحطی گسترده در سراسر کشور، یکی از آنها بود. کتاب «اسناد اشغال ایران» مجموعه ارزشمندی از اسناد آ رشیوهای امریکایی درباره تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در دوران اشغال است. عمده اسناد این مجموعه ۱۰ تا ژوئن ۱۹۴۵/مرداد ۱۳۲۰ تا خرداد ۱۳۲۴ است. بخش زیادی از مطالب جلد اول با عنوان «قحطی و بحران غذایی» درباره کمبود مواد غذایی و قحطی گسترده در ایران و شیوع انواع بیماری‌هاست. گزارش‌های این مجلد بازه زمانی آگوست ۱۹۴۱ تا ژوئن ۱۹۴۵ را دربرمی‌گیرد.

جلد دوم با عنوان «پادداشت‌هایی درباره ایران» مانند چند مجلد دیگر، اوضاع نابسامان اقتصادی، کمبود مواد غذایی، وضعیت نامناسب بهداشتی و مشکلات ناشی از ورود پناهجویان لهستانی و شیوع بیماری‌های مختلف از جمله تیفوس، تیفوئید و انواع بیماری‌های عفونی را شرح می‌دهد. اسناد این مجلد به‌طور عمده مربوط به اداره خدمات استراتژیک و نیز گزارش‌های مطبوعاتی درباره اوضاع نابسامان داخلی ناشی از اشغال ایران است. برخی دیگر از گزارش‌های این جلد مربوط به روزنامه فرانسوی زبان ژورنال دو تهران است. اسناد این مجلد دوره زمانی دسامبر ۱۹۴۱ تا سبتمبر ۱۹۴۳/آذر ۱۳۲۰ تا شهریور ۱۳۲۲ را شامل می‌شود.

در جلد سوم با نام «در مسیر تدارک جنگ» اسناد مربوط به تحولات داخلی سال‌های ۱۹۴۲–۱۹۴۱ تا ۱۳۲۱–۱۳۲۰ پوشش داده شده است. بیشتر این اسناد، مکاتبات دریفوس، سفیر امریکا در ایران، با وزارت امور خارجه ایالات متحده است. اسناد این مجلد از کمبود مواد غذایی و نابسامانی‌های ناشی از اشغال ایران از سوی متفقین سخن می‌گوید. در اسناد و گزارش‌های این مجلد به فعالیت‌های میلیسو، رئیس مایله و شریدان، مستشار امریکایی وزارت خاوروسا و نیز فعالیت‌های مرکز تدارکات خاورمیانه اشاره شده‌است. مرکز تدارک خاورمیانه یک اژانس انگلیسی-امریکایی بود که بر جریان تدارکات غیرنظامی به خاورمیانه در جنگ جهانی دوم کنترل کلمی داشت.

جلد چهارم (مستشاران امریکایی) اسناد اشغال ایران در سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۴/م‌ی‌ماه ۱۳۲۱ تاآبان ۱۳۲۲ را دربرمی‌گیرد. عمده اسناد مربوط به مکاتبات دریفوس، سفیر امریکا در تهران با وزارت خارجه ایالات متحده است. گزارش‌ها بیشتر درباره تحولات و مسائل داخلی کشور به‌ویژه مشکل کمبود خواروبار و راهکارهای دولت برای حل این بحران است. در بسیاری از اسناد، به فعالیت‌های وزارت خواروبار و شریدان، مستشار امریکایی این وزارتخانه و نیز میلیسو، رئیس مایله و فعالیت‌های مرکز تدارکات خاورمیانه اشاره شده است.

جلد پنجم اسناد اشغال ایران، تحولات سیاسی و اقتصادی سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۴/۱۳۲۱ تا ۱۳۲۲ را دربرمی‌گیرد. بیشتر اسناد این جلد مربوط به گزارش‌های دریفوس از سفارت امریکا در تهران و مکاتبه با وزارت خارجه امریکا،ست. محتوای گزارش‌ها عمدتاً درباره تحولات سیاسی و مشکلات اقتصادی و کمبودهای ناشی از اشغال ایران است. گزارش‌های کنسولگری امریکا در تبریز و تحولات آذربایجان و حضور نیروهای روس در این منطقه نیز از جمله اسناد این مجلد است.

یکی از پیامدهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، حضور گسترده امریکایی‌ها در ایران بود. حضور نیروهای امریکایی در ایران در کنار نیروهای انگلیسی و روسی، مشکلات بسیاری برای مردم ایران ایجاد کرد. کمبود و قحطی و ناامنی، تنها سوغات جنگی بود که ایران در آن هیچ نقشی نداشت، ایرانی‌ها ابتدا نگاه متفاوتی به امریکایی‌ها داشتند، اما گذشت زمان نشان داد امریکا نیز مانند روس و انگلیس به دنبال منافع اقتصادی و به‌ویژه نفت ایران است. رویکرد خصمانه ایرانی‌ها علیه متفقین، ناامی مشاوران امریکایی در اجرای اصلاحات، اجرایی شدن توافق وام و اجاره که برای ایران نتایج ملموسی نداشت، تاخت‌های تأخیری دولت‌های انگلیس و امریکا در تأمین نیازهای ایران، شکست امریکا در مقابله با فشار روس‌ها بر ایران … از جمله عواملی بود که در همان سال‌ها باعث ایجاد احساسات ضد امریکایی در ایران شد. جلد ششم این مجموعه با عنوان «امریکایی‌ها در ایران» حضور امریکایی‌ها در ایران در دوره زمانی دسامبر ۱۹۴۲ تا دسامبر ۱۹۴۴ را م پوشش داده است.



جستاری در پیامدهای واقعه «جمعه سیاه» و نقش زنان در آن

شیرزنانی

که حماسه ۱۷ شهریور را آفریدند

■ **بروین قائمی**

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ به‌زعم بسیاری از تحلیلگران نقطه عطفی در روند سقوط سلطنت پهلوی بود. این روز که به «جمعه سیاه» شهرت یافت، نهایتاً به وقوع انقلاب اسلامی انجامید و آغاز پایان کار رژیم شاهنشاهی تلقی شد، زیرا با فجایی که رژیم در این روز مرتکب شد عملاً هر گونه مصالحه‌ای را بین انقلابیون و سلطنت‌طلبان از بین برد و امکان به نتیجه رسیدن اصلاحات تدريجی، لیبرالی و آرام عقیم ماند.

■ ■ ■

■ **۱۷ شهریور و چهره منفور دولت آشتی‌ملی!**

در پی سرکوب‌های خونین رژیم پهلوی در بهار و تابستان ۱۳۵۷ تا حدودی از گسترده‌گی و شدت اعتراضات مردمی علیه رژیم کاسته شد و در تیر ماه آن سال کشور در آرامشی نسبی به سر می‌برد. در نتیجه تحلیلگران سیاسی به این باور رسیدند که رژیم سلطنته است بار دیگر بر اوضاع مسلط شود و خطرات را دفع کند، کما اینکه شاه در مصاحبه‌ای ادعا کرد هیچ قدرتی نمی‌تواند او را برکنار کند و ۷۰۰ هزار نیروی نظامی و بیشتر مردم از او حمایت می‌کنند، اما در شهریور ماه این سال هم‌زمان با ماه رمضان اعتراضات مردم در مساجد بالا گرفت و در شب‌های هفتم، هشتم و نهم درگیری‌هایی بین عوامل رژیم و مردم روی داد که به شهادت و زخمی شدن عده‌ای از زنان و خیابان‌های منتهی به آن شدیدتر بود. این وقایع خونین در برهه‌ای به وقوع می‌پیوست که شریف امامی با ادعای دولت آشتی ملی سر کار بود.

در روز ۱۳ شهریور هم‌زمان با عید فطر مردم برای اقامه نماز عید فطر در نقاط مختلف تهران در ویژه تهران گرد هم آمدند. در میدان ژاله نماز به امامت علامه یحیی نوری اقامه شد و پس از خاتمه نماز، مردم در حالی که پیراهن‌های خونین شهدای شب‌های قبل را در دست داشتند به راهپیمایی پرداختند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس از قول مفسر معروف خود جورج گرایسکی نوشت: «شاه ایران با یک انقلاب گسترده عمومی روبه‌روست. او یا ناچار است قدرت را تفویض کند یا بادیکتاتوری‌ای بسیار شدیدتر از آنچه که مخالفتش به او نسبت می‌دهند تاج و تخت خود را حفظ کند.»

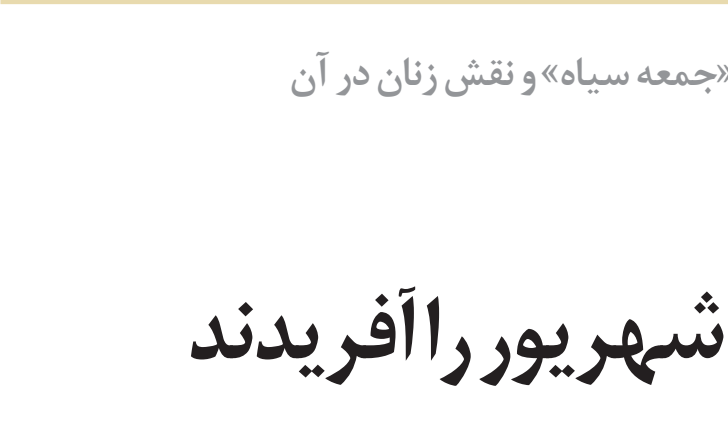
تهران در روزهای ۱۴ و ۱۵ شهریور نیز شاهد راهپیمایی و تظاهرات مردم علیه رژیم بود. دولت در روز ۱۵ شهریور تشکیل اجتماعات و تظاهرات را غیرقانونی اعلام و ساواک با تلاشی مذبح‌خانه سعی کرد رژیم را مذهبی جلوه بدهد و بین روحانیون اختلاف بیفتکند، اما مردم به رغم ممنوعیت اعلام شده از سوی دولت، در ۱۶ شهریور دست به تظاهرات باشکوهی زدند. این راهپیمایی عظیم از قیطر به شروع و به میدان آزادی ختم شد و مردم آشکارا شعارهایی چون «مقاومت ملی و مهنی حمله کرد» و «سکوت هر مسلمان قرآنم، ما شاه نمی‌خواهیم» و «سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن» را فریاد زدند. ساواک در باره تظاهرات ۱۶ شهریور اینگونه گزارش داد: «قشربون و گروه‌های برانداز مذهبی بدون توجه به اعلام ممنوعیت تظاهرات از سوی دولت دست به تظاهرات زدند و مقاصد باطنی خود را با شعارهایی که مغایر با نظام موجود کشور است آشکارا بیان و با وقاحت تمام به مقدمات ملی و مهنی حمله کردند.»

مقاومت ملت در روز ۱۶ شهریور رژیم شاه را با چالشی جدی روبه‌رو کرد. در همان روز از مردم برای شرکت در تظاهرات میدان ژاله دعوت شد. ارتشبد غلامعلی اویسی، فرمانداری نظامی تهران در ساعات اولیه صبح در تهران و ۱۱ شهر دیگر برای چهار ماه اعلام حکومت نظامی کرد. مردم تهران که اکثر از اعلام حکومت نظامی خبر نداشتند، به سمت میدان ژاله که آن روزها خود مردم نام آن را میدان شهدا گذاشته بودند حرکت کردند و آنجا با تانک‌ها و زره‌پوش‌های نظامی مواجه شدند.

مأموران رژیم چندین بار به مردم اخطار کردند موطه را ترک کنند و سرانجام در ساعت ۹ صبح آنها را از زمین و هوا زیر گبار گلوله گرفتند و بسیاری را به شهادت رساندند و دولت آشتی ملی چهره منفور خود را به نمایش گذاشت.

■ **بن بست سیاست سرکوب و خشونت**

فاجعه ۱۷ شهریور پیامدهای تعیین‌کننده‌ای داشت، از جمله رژیم دریافت با اعتراضات سراسری و گسترده روبه‌روست و برای رویارویی با مردم به‌شدت به تردید افتاد. سیاست سرکوب و خشونت تجویز شده از سوی مشاوران نظامی و امنیتی شاه اینک به بن‌بست رسیده بود. در نتیجه شاه برای پیدا کردن راه‌حل و سر و سامان دادن به اوضاع کشور تصمیم گرفت



به کارشناسان داخلی و صاحبزنان امور ایران مشورت کند. گفت‌وگو با آنها شاه را به این نتیجه رساند که علت اصلی ناراضیانی مردم گسترش فساد و سوءاستفاده‌های کلان مالی است. رژیم شاه در برابر وضعیت آشفته کشور سرگردم و گیج شده بود. امریکا از طریق اردشیر زاهدی، سفیر ایران در امریکا به شاه توصیه کرد سیاست سرکوب را تشدید کند. نتیجه این توصیه تشکیل کابینه‌ای نظامی با نخست‌وزیری ارتشبد ازهار یی بود. انتخاب یک فرد نظامی اعتراضات مردمی در شهسار داد در صورت دخالت نکردن در طیف‌های مختلف و مبارزان و تلاش برای سرنگونی رژیم پهلوی به شیوه قهرآمیز تقویت شد.

فاجعه ۱۷ شهریور و نیز ادامه حکومت نظامی و سرکوب و خشونت رژیم بدنه ارتش را دچار تردید و تزلزل کرد. استقرار ارتشی‌ها در میادین و خیابان‌ها برای مدت طولانی و فشار به آنها برای مقابله با مردم به تدریج از کارآمدی اش کم کرد، زیرا وظیفه ارتش حراست از مرزها و پاسداری از کشور مقابل تجاوز بیگانگان بود.

بدنه ارتش فرزندان خود مردم بودند و طبیعتاً برای مقابله با هموطنان خود آن هم برای مدت طولانی آمادگی نداشتند. مصافا بر اینکه همواره بین ساختار ارتش و فرماندهان آن از لحاظ اعتقادات ملی و مذهبی و گرایش‌های سیاسی اختلاف‌نظر وجود داشت و لذا از توان ارتش به عنوان عامل سرکوب می‌کاست.

■ **ارتش کنار مردم و اعتصابات گسترده**

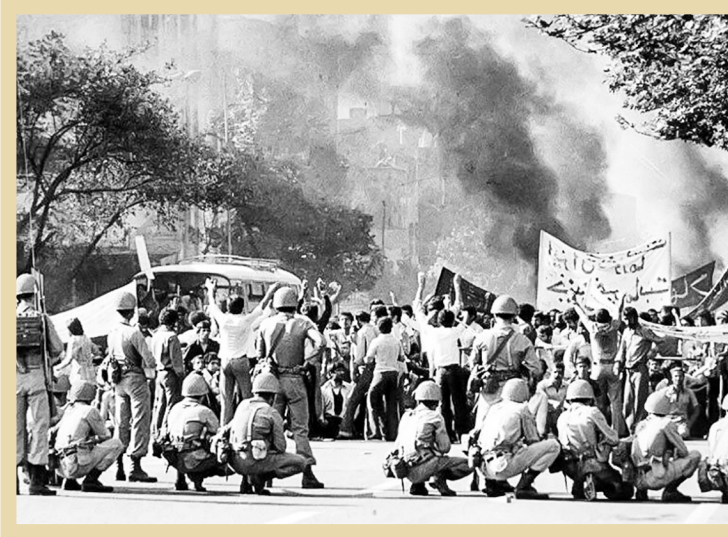
امام خمینی پس از ۱۷ شهریور از بدنه ارتش خواستند در کنار مردم قرار بگیرند و از فرمان فرماندهان خود برای سرکوب مردم سرپیچی کنند. در پی انتشار این اعلامیه بسیاری از ارتشی‌ها به مردم پیوستند.

یکی دیگر از عوامل تضعیف رژیم، اعتصابات سراسری و فراگیر بود. این اعتصابات ماهیت کاملاً سیاسی داشتند و هدف آن‌ها قطع شاهرگ اقتصادی رژیم و از

پا درآوردن آن بود.

با گسترش اعتصابات، ضعف مجموعه نظام سیاسی رژیم بر ملا شد، زیرا صاحبان سرمایه به‌شدت به هراس افتادند و از سرمایه‌گذاری‌های جدید خودداری کردند. بحران یکبارگی تشدید و فرار سرمایه‌ها و ذخایر ارزی از کشور شروع شد و رژیم پشتوانه‌های مالی خود را از دست داد.

شریف امامی در آغاز تصدی نخست‌وزیری اعلام



د

در پی انتشار پیام امام، در روز شانزدهم شهریور در شهرهای مختلف راهپیمایی‌های گسترده‌ای صورت گرفت که زنان در آنها نقش بی‌نظیری داشتند. در روز ۱۷ شهریور زنان از ساعات اولیه صبح به سمت میدان ژاله حرکت کردند. بعضی از آنها فرزندان کوچکشان را در آغوش یا در کنار خود داشتند. کودکان خواب‌آلود همراه مادرانشان به میدان آمده بودند. زنان یکدل و یکصدا خطاب به مردان فریاد می‌زدند اگر خودتان غیرت ندارید که به میدان بیایید، به خانه‌هایتان برگردید و به زانتان بگویید بیایند.

جمعیت به سمت میدان ژاله سرازیر شد در روز ۱۷ شهریور زنان از ساعات اولیه صبح به سمت میدان ژاله حرکت کردند. بعضی از آنها فرزندان کوچکشان را در آغوش یا در کنار خود داشتند. کودکان خواب‌آلود همراه مادرانشان به میدان آمده بودند. زنان یکدل و یکصدا خطاب به مردان فریاد می‌زدند اگر خودتان غیرت ندارید که به میدان بیایید، به خانه‌هایتان برگردید و به زانتان بگویید بیایند.

فاجعه ۱۷ شهریور شکاف بین مردم و رژیم شاه را به‌شدت عمیق کرد و امکان هر نوع سازی‌های مثنی مسالمت‌آمیز توصیه شده در چارچوب قانون اساسی در نظام مشروطه نیز به‌شدت مورد تشکیک قرار گرفت و روحیه مبارزه‌جویی و حتی تندروی و افراط‌گرایی در طیف‌های مختلف و مبارزان و تلاش برای سرنگونی رژیم پهلوی به شیوه قهرآمیز تقویت شد.

■ **حمایت امریکا از سیاست سرکوب**

با بالاگرفتن بحران در ایران، رؤسای جمهور امریکا، اسرائیل و مصر در روز ۱۹ شهریور با شاه ملاقات کردند. شاه ضمن گفت‌وگو با امریکا، رویداد ۱۷ شهریور را تحریفی از سوی کسانی دانست که از فضای باز سیاسی کشور و آزادی‌هایی که او به آنها عطا کرده بود سوءاستفاده کردند. او از کارتر در خواست حمایت کرد و هشدار داد در صورت دخالت نکردن امریکا، مخالفان به زودی زمام امور را در دست خواهند گرفت. کارتر از هر جهت به شاه اطمینان خاطر داد و از سیاست سرکوب حمایت کرد.

در پی ملاقات اردشیر زاهدی، سفیر ایران در امریکا با وارن کریستوفر، معاون وزارت امور خارجه امریکا در واشینگتن، امریکا ضمن تأکید مجدد بر حمایت امریکا از رژیم شاه تأکید کرد که کار، براندازی حکومت نظامی اعتدال را باعث و تهدید برای حمایت امریکا از رژیم شاه تأکید کرد که، اما زاهدی اظهار داشت کمونیست‌های ایران مسئول سازماندهی تظاهرات ایران هستند و امریکا با کمک نیروهای مخالف رژیم شاه، در پی براندازی حکومت زاهدی، کریستوفر این اتهام را نپذیرفت و تضعیف اعتماد به نفس شاه را مهم‌ترین عامل برای گسترش اعتراضات و خشونت رژیم او دانست.

به روزگار تا قبل از فاجعه ۱۷ شهریور هیچ یک از عوامل وزارت خارجه امریکا، سیا و سران کاخ سفید، انقلاب ایران را جدی نگرفته و اوضاع را بحرانی تفسیر نکرده بودند و با اظهاراتی حاکی از خوش‌باری دربار خود در قهر شده‌اند کنترل اوضاع ایران و خاورمیانه به دلخوشی داده بودند.

واقعه ۱۷ شهریور در واقع اولین زنگ هشدار برای امریکایی‌ها بود. از این زمان بود که آنها به بررسی‌های دقیق و کارشناسانه در باره اوضاع ایران پرداختند، اما دیگر بسیار دیر شده بود و توصیه‌های آنان تنها به سردرگمی شاه دامن می‌زد. عمده اشتباه رژیم در برمی‌افروخت.

■ **نقش زنان در ۱۷ شهریور**

پیش از حضور تعیین‌کننده زنان در قیام ۱۷ شهریور، آنان در راهپیمایی‌ها و به‌ویژه نماز عید فطر تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشتند. در روز عید فطر، صدها هزار نفر در نماز شرکت کردند. بخش زیادی از جمعیت نمازگزار را زنان تشکیل می‌دادند. این نخستین بار بود که نماز عید فطر در خیابان‌ها برگزار می‌شد و زنان مسلمان هم در خیابان نماز خواندند. پس از نماز، جمعیت با پیشروانی زنان در جاده‌م قاصهقان به راهپیمایی پرداختند. مأموران با گاز اشک‌آور با آنها روبه‌رو شدند و جمعیت را پراکند کردند.

در شیراز پس از نماز عید فطر حدود ۲۰ هزار نفر در خیابان‌ها راهپیمایی کردند. سپس در مسجد جامع شیراز جمع شدند و به سخنرانی یکی از واعظ گوش دادند و سپس بار دیگر به خیابان آمدند و به راهپیمایی پرداختند. زنان در این میان جمعیت قابل توجهی داشتند. آنها از مردان جدا شدند و جداگانه و به شکلی مستقل به راهپیمایی پرداختند. سپس وارد مسجد ولی‌عصر شدند و در مراسم چهلیم یکی از شهدا شرکت کردند.

حضور گسترده زنان شیرازی در تظاهرات بازتاب

رسانه‌ای گسترده‌ای داشت. در همدان و مشهد هم زنان در گروه‌های چندده هزار نفری در حالی که گروهی از جوانان دور آنها حلقه زده بودند راهپیمایی به راه انداختند. در دیگر شهرهای بزرگ و کوچک کشور هم زنان در تظاهرات شرکت داشتند و پایه‌ای مردان در پیشبرد انقلاب ایفا نقش می‌کردند.

در پی این راهپیمایی‌ها امام پیام دادند و گفتند: «تصور نکنید بعد از ماه رمضان تکلیف الهی فرق کرده است. در مساجد و محافل و فضاهای باز تظاهرات برپا و از قرآن کریم و اسلام دفاع کنید. مراقب نغمه‌های مخالفی که از حلقوم شیاطین و به نفع مستکبران و به ضرر اسلام و مسلمین بیرون می‌آید باشید و به آنها گوش ندهید و فریب حرف‌های شاه و اطرافیان او را که جز برای به دست آوردن قدرت شیطنی است، نخورید. شاه و دولت او ضد قانون اساسی و مردم و از همه مهم‌تر احکام اسلامی و لذا خائن هستند و اطاعت از آنها اطاعت از طاغوت است. به آنها مجال ندهید و با اعتصاب و اعتراض، دنیا را از اعمال وحشیانه آنها آگاه کنید.»

در پی انتشار پیام امام، در روز شانزدهم شهریور در شهرهای مختلف راهپیمایی‌های گسترده‌ای صورت گرفت که زنان در آنها نقش بی‌نظیری داشتند. زنان یزد به دلیل برخورداری از سابقه برپایی تظاهرات، نقش زیادی در راهپیمایی این روز داشتند.

در روز ۱۷ شهریور زنان از ساعات اولیه صبح به سمت میدان ژاله حرکت کردند. بعضی از آنها فرزندان کوچکشان را در آغوش یا در کنار خود داشتند. کودکان خواب‌آلود همراه مادرانشان به میدان آمده بودند. زنان یکدل و یکصدا خطاب به مردان فریاد می‌زدند اگر خودتان غیرت ندارید که به میدان بیایید، به خانه‌هایتان برگردید و به زانتان بگویید بیایند.

جمعیت به سمت میدان ژاله سرازیر شد در روز ۱۷ شهریور زنان از ساعات اولیه صبح به سمت میدان ژاله حرکت کردند. بعضی از آنها فرزندان کوچکشان را در آغوش یا در کنار خود داشتند. کودکان خواب‌آلود همراه مادرانشان به میدان آمده بودند. زنان یکدل و یکصدا خطاب به مردان فریاد می‌زدند اگر خودتان غیرت ندارید که به میدان بیایید، به خانه‌هایتان برگردید و به زانتان بگویید بیایند. جمعیت به سمت میدان ژاله سرازیر شد در روز ۱۷ شهریور زنان از ساعات اولیه صبح به سمت میدان ژاله حرکت کردند. بعضی از آنها فرزندان کوچکشان را در آغوش یا در کنار خود داشتند. کودکان خواب‌آلود همراه مادرانشان به میدان آمده بودند. زنان یکدل و یکصدا خطاب به مردان فریاد می‌زدند اگر خودتان غیرت ندارید که به میدان بیایید، به خانه‌هایتان برگردید و به زانتان بگویید بیایند. این هنگام بالگردی از بالا و نیز نظامیان مستقر در اطراف میدان و روی پشت‌بام‌های اطراف شروع به تیراندازی به سمت مردم کردند و عده زیادی را به خاک و خون کشیدند. تعداد شهدای زن در این فاجعه و شجاعتی که به خرج دادند، ۱۷ شهریور را به یکی از صحنه‌های باشکوه حضور زنان در انقلاب اسلامی تبدیل کرد.

امام در پیامی از این زنان با عنوان «شیرزنان» یاد کردند که گواه صادقی بر اهمیت حضور زنان در صحنه‌های انقلاب بود. مواجهه مادران و همسران داغ‌دیده با پیکر شهدایشان در بیمارستان‌ها و بهشت‌زهر(اس) نیز نشان‌دهنده عزم راسخ و اوج علاقه زنان به مبارزه برای پیروزی نهضت اسلامی بود.

روزنامه اطلاعات در گزارشی در باره این شیرزنان نوشت: «در این وقت، زنی که با دختر و یک کودک خردسالش در صف بود وارد سرخانه شد و در میان حیرت و تأثر تشدید جمعیت فریاد زد: «پیدا کردم، او پسر من است» و با انگشت ششید ۱۸ ساله را که گلوله چشمانش را ر متلاشی کرد بود نشان داد. مردم برای او کردن زن و تسلیت به می‌دادند و می‌گفتند، ولی او با خونسردی غیرقابل وصفی، آرام و خوششدار بود و خطاب به جمعیت گفت: «پسر به‌آرزویش رسید.»

او بدون اینکه گریه‌ای سر دهد، برای اجتماع مردم از انقلاب سخن می‌گفت می‌گفت:

«ای کاش او را می‌بوسیدم! ای کاش او را از زیر قرآن رد می‌کردم.»

اینگونه بود که قیام ۱۷ شهریور تهران را تاریخ انقلاب جایگاه مهمی پیدا کرد و در فروپاشی رژیم شاه تأثیر عمده‌ای داشت.

■ **۱۷ شهریور از ایم‌الله است**

امام در باره اهمیت این روز فرمودند: «۱۷ شهریور از ایم‌الله است و باید یادمان نرود این را. آن‌قدر شهید دادیم، آن‌قدر خون دادیم ما آن روز و در مقابل اجنب و در مقابل وابستگان به اجاب قیام کردند ملت ما، خون‌شان ریخته شد، لکن پیروز شدیم. باید پیروزی و هم روزهایی که نمی‌توانیم ما بشمریم، این روزهایی که آنان با کمال شقاوت حمله می‌کردند و شما با کمال شجاعت زن و مردتان می‌ایستادید در مقابله‌شان.»

یکی از شهدای شاخص روز ۱۷ شهریور، محبوبه دانش آشتیانی بود که با آغاز حرکت‌های انقلابی مردم علیه رژیم پهلوی به جمع انقلابیون پیوست و در روز ۱۷ شهریور در سن ۱۷ سالگی به شهادت رسید. او با وجود سن کم با معارف اسلامی به‌خوبی آشنا بود و قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه سجاده را به‌سببار مطالعه می‌کرد و با تفاسیر هم آشنا بود. نظم، مهربانی، صداقت، وفای به عهد، وقت‌شناسی، استقلال‌فکری و پیگیری در کارها و ذهن بسیار خلاق از جمله ویژگی‌های شخصیتی او بود.

روزی در شروع راهپیمایی مردها به محبوبه گفته بودند: «شما برو، اینجا نمان.» محبوبه به آنها جواب داده بود: «اگر کار درستی است که زن و مرد ندارد. اگر کار غلطی است که شما هم نباید بروید.»

نکته قابل توجه اینکه چند سال بعد نامزد او، شهید حسن اجاره‌دار و پدرش، شهید غلامرضا دانش آشتیانی در فاجعه هفتم تیر سال ۱۳۶۰ به شهادت رسیدند.